

مشخصه‌های مدیریت جهادی از منظر قرآن

jafari@qabas.net

محمدحسن جعفری / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع

دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۰۴ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۱۸

چکیده

«مدیریت جهادی» مفهومی نوظهور است که رهبر معظم انقلاب در نام‌گذاری سال ۱۳۹۳ از آن استفاده کرده، آن را به همراه «عزم ملی»، راه‌گشای حل مشکلات فرهنگی و اقتصادی معرفی نمود. با طرح این مفهوم، موضوع اصلی این پژوهش آن است که «مدیریت جهادی» چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ برای پاسخ به این سؤال، این مقاله کوشیده است با روش «استنباطی» و با مراجعه به قرآن و بررسی آیات مربوط به جهاد، ویژگی‌هایی برای جهاد استخراج کند. با بررسی این ویژگی‌ها و با تحلیل مفهوم «مدیریت»، تلاش شده است ویژگی‌های مربوط به جهاد با موضوع مدیریت تطبیق داده شده، مشخصه‌های مدیریت جهادی از منظر قرآن استخراج شود. بر اساس یافته‌های تحقیق، مشخصه‌های مدیریت جهادی قابل تقسیم به دو دسته «صفات مدیر جهادی» و «ویژگی‌های اقدامات مدیریتی» است. از دسته اول، می‌توان به اخلاص مدیر، باور و اعتقاد به وعده‌ها و دستورات الهی، دل‌ن بستن به شیوه‌های غیردینی مدیریت، و داشتن روحیه صبر و تحمل در مدیریت اشاره کرد. دسته دوم نیز مشتمل بر سه ویژگی پرداختن به چالش‌ها و مشکلات، شیوه‌های نو در اقدام و عمل، و رعایت قواعد و اصول دینی است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، جهاد، مدیریت جهادی، مدیر جهادی، اقدامات مدیریت جهادی.

مقدمه

جهاد از منظر اسلام، امری مقدس و مبارک است. خداوند در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره صف، جهاد در راه خدا را تجارتمعرفی کرده که مایه نجات از عذاب دردناک جهنم است. در آیات متعددی از قرآن، مانند آیه ۳۵ سوره مائده و ۷۸ سوره حج و ۷۳ سوره توبه، مؤمنان و شخص پیامبر به جهاد در راه خدا امر شده‌اند. جهاد بنا بر نقلی از حضرت امیرالمؤمنین^{علیه السلام}، یکی از درهای اختصاصی بهشت است که خداوند برای اولیای خاص خود گشوده است (نجفی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۳۲۶). در حدیثی دیگر از امام باقر^{علیه السلام}، نقطه عالی اسلام و بلندای آن جهاد در راه خداست (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲ ق، ص ۱۳) اهمیت جهاد در اسلام به حدی است که اگر کسی آن را از روی کراهت و ناپسند شمردن ترک کند، خدا جامه ذلت بر او بیوشاند، و گرفتار بلا شود، و بر سر او خواری و زبونی فرو بارد، و نور خرد از دل او رخت بر کشد، و با فرو گذاشتن جهاد، حق از او رویگردان شود، و خواری به او روی آورد، و کسی داد او ندهد (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۲۰). کثرت آیات و روایات در موضوع اهمیت و فضیلت جهاد به میزانی است که در بیشتر مجامع روایی، بخش مستقلی به این موضوع اختصاص پیدا کرده است. همچنین در منابع فقهی نیز مبحث جهاد یکی از مباحثی است که بیشتر فقها همانند صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۶۰، ج ۲۱، ص ۵) به آن پرداخته و معمولاً در ابتدای بحث، تأکید بلینی در خصوص اهمیت و جایگاه آن در اسلام داشته‌اند.

در ادبیات اسلامی، جهاد اگرچه زمانی که به صورت مطلق و بدون قید به کار می‌رود، به جنگ و کارزار با کفار و منافقان انصراف پیدا می‌کند و در روایات زیادی نیز جهاد در این معنا به کار رفته، اما این واژه دارای مفهوم گسترده‌تری است و در مصادیق دیگری هم استعمال شده است؛ مثلاً در برخی احادیث به نقل از پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} «حج»، جهاد افراد ناتوان دانسته شده و یا جهاد زن «شوهرداری نیکو» معرفی شده است (ابن‌اشعث، بی‌تا، ص ۶۷). همچنین در برخی روایات موضوع جهاد با نفس مطرح شده و از آن به «جهاد اکبر» تعبیر شده است که در مقابل «جهاد اصغر»، یعنی همان جنگ و کارزار با دشمن خارجی قرار می‌گیرد (کلینی، ۱۴۰۵ ق، ج ۵، ص ۱۲). این موضوع در حدی از اهمیت است که برخی محدثان با الهام از این روایت، احادیث کتاب جهاد خود را به دو قسمت کلی تقسیم کرده و ابواب «جهاد با نفس» را در عرض ابواب «جهاد با دشمن» و تقسیم آن قرار داده‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵، ص ۱۶۱). بنابراین، می‌توان ادعا کرد همانند معنای لغوی جهاد، که اختصاصی به جنگ و قتال ندارد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ص ۱۲۸)، در مفهوم دینی نیز جهاد دارای معنای گسترده‌تری است که مصداق برجسته آن کارزار با دشمنان است و مصادیق متعدد دیگری نیز می‌تواند داشته باشد. بنابراین، جهاد علاوه بر مقدس بودن، مفهومی گسترده‌تر دارد که می‌تواند در مصادیق متعدد به کار رود و بسیاری کارها به لحاظ ویژگی‌های خاص، مصداق جهاد محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، در پی ظهور انقلاب اسلامی و رواج کاربرد مفاهیم دینی، مفهوم «جهاد» نیز در مصادیق متعددی، علاوه بر جنگ و کارزار با دشمن به کار رفت که مهم‌ترین آنها تشکیل «جهاد سازندگی»، «جهاد

دانشگاهی» و «اردوهای جهادی» است. در سال‌های اخیر نیز مقام معظم رهبری مفهوم «مدیریت جهادی» را مطرح ساخت و از این مفهوم در نام‌گذاری سال ۱۳۹۳ استفاده کرد. دقت در این شعار نشان می‌دهد که رهبر معظم انقلاب «مدیریت جهادی» را در کنار «عزم ملی»، به‌عنوان راه‌کار حل مشکلات اقتصادی و فرهنگی معرفی کرده است. یکی از دغدغه‌هایی که در پی ایجاد مفهوم «مدیریت جهادی» و طرح این شعار به وجود می‌آید، این موضوع است که مدیریت جهادی چیست؟ و چه مشخصه‌هایی دارد؟ و چگونه می‌توان به آن دست یافت؟

برای حل این ابهام، می‌توان به مفهوم عرفی یا معنای لغوی «مدیریت» و «جهاد» و ترکیب آنها مراجعه کرد. اما این کار اگرچه تا حدی می‌تواند برای حل مشکل مطرح‌شده راه‌گشا باشد، اما نمی‌تواند همهٔ ابعاد این مفهوم را، به ویژه زمانی که از سوی یک شخصیت برجستهٔ دینی مطرح می‌شود، روشن سازد. اکتفا به مفهوم عرفی یا لغوی «جهاد» به نوعی محدود کردن این مفهوم گسترده در ابعاد خاصی است که نتیجهٔ آن غفلت از ابعاد و زوایای گسترده و لوازم مفیدی است که این مفهوم می‌تواند به همراه داشته باشد. بنابراین، لازم است برای درک این مفهوم، به منابع اصلی دین مراجعه شود.

در این پژوهش، با مراجعه به آیاتی از قرآن که با مفهوم «جهاد» مرتبط است و تحلیل مفهوم «مدیریت»، تلاش شده است تا به این سؤال تحقیق پاسخ داده شود که مشخصه‌های مدیریت جهادی از منظر قرآن چیست؟ برای این کار، ابتدا بحث کوتاهی دربارهٔ تحلیل مدیریت از منظر اسلام انجام می‌شود، سپس مفهوم «جهاد» به صورت عام از منظر قرآن بررسی می‌گردد. در ادامه، رابطهٔ مدیریت با جهاد و در انتها، مشخصه‌های مدیریت جهادی تبیین خواهد شد.

مفهوم «مدیریت» از منظر قرآن

برای مدیریت، تعاریف متعددی از سوی صاحب‌نظران این رشته مطرح شده است. برخی ادعا کرده‌اند که هر مدیری تا اندازه‌ای تعریف خاص خود را از مدیریت دارد (گریزری، ۱۳۸۹، ص ۳۲). آنچه از تحلیل این تعاریف می‌توان دریافت این است که مدیریت مربوط به مجموعه‌های انسانی و به تعبیر امروزی، سازمان‌هایی است که هدف مشخصی را دنبال می‌کنند، و کار مدیریت ایجاد هماهنگی میان اعضای مجموعه یا سازمان و هدایت آن به سمت دستیابی به هدف است. البته باید توجه داشت که هدف مجموعه یک هدف روشن و واضح است یا دارای پیچیدگی و ابهام است؟ و آیا مجموعه‌های بشری صرفاً برای دست یافتن به اهداف ایجاد شده‌اند یا خودشان هم هدف بوده‌اند؟ اینها مباحثی است که در بحث نظریهٔ سازمان مطرح شده است (اسکات، ۲۰۰۳). آنچه در اینجا بر آن تأکید می‌شود این است که مجموعه‌های بشری یا سازمان‌ها به خاطر دستیابی به اهدافی که به صورت فردی قابل تحصیل نبوده یا دست‌یافتن به آنها به وسیلهٔ سازمان اثربخش‌تر است ایجاد شده‌اند (رایبیز، ۱۳۸۷، ص ۲۲). به تعبیر دیگر، ایجاد سازمان یک فعل اختیاری بشر بوده که همانند سایر افعال اختیاری، به انگیزهٔ دست‌یافتن به هدفی انجام شده است.

بنابراین، می‌توان ادعا کرد که حقیقت مدیریت در سطوح گوناگون آن، در طول تاریخ وجود داشته و همواره بشر برای دست‌یافتن به اهداف خود، مجموعه‌هایی ایجاد کرده و آنها را مدیریت کرده است. طبیعت چنین حقیقتی این است که افراد مجموعه یا سازمان اراده‌های خود را هرچند در محدوده‌ی مشخصی با اراده‌های دیگران هماهنگ کنند و یک نظام تبعیت در اراده‌ها ایجاد کنند. اصل این حقیقت از منظر قرآن امری پذیرفته شده است و چنین نیست که قرآن به طور کلی مخالف تبعیت اراده‌ی افراد از یکدیگر باشد و حقیقت مدیریت را نفی کند. در طرف مقابل، قرآن کلام برخی مخالفان انبیا را این گونه نقل می‌کند: «وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ لَأِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ» (مؤمنون: ۳۴)؛ اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، مسلماً زیان کنید.

در این کلام، مخالفان انبیا که قرآن آن را نفی می‌کنند، اصل تبعیت از انسانی همانند خود مایه‌ی خسارت دانسته شده است. مشابه کلام این افراد، کلام کسانی است که تبعیت از حکومت دینی و نظام ولایی را مخالف آزادی می‌دانند و در عین حال، تبعیت محض از حکومت‌های بشری و ساختارهای غیرالهی را مخالف آزادی نمی‌پندارند. به هر حال، قرآن تفاوت میان جایگاه افراد و تسلط برخی افراد بر دیگران را فعل الهی معرفی می‌کند. خداوند در آیه ۳۲ سوره زخرف چنین می‌فرماید:

«أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ»؛ آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟! ما معیشت آنها را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر کرده، (با یکدیگر همکاری کنند) و رحمت پروردگارت از تمام آنچه جمع‌آوری می‌کنند بهتر است.

این آیه اشاره دارد که خداوند در زندگی دنیا، ارزش مردم (اعم از مادی و معنوی) را میان آنان تقسیم کرده و جایگاه‌های متفاوتی به افراد داده است تا برخی بر بعضی تسلط داشته باشند. لازمه‌ی اینکه برخی بر بعضی تسلط داشته باشند همان ایجاد نظام تبعیت است و به دنبال این فعل الهی، مجموعه‌هایی بر اساس تبعیت در اراده ایجاد می‌شود و مدیریت مصداق پیدا می‌کند. مرحوم علامه طباطبائی نیز در یکی از احتمالات، این آیه را ناظر به ایجاد جامعه و حرکت از سمت زندگی فردی به سمت زندگی اجتماعی دانسته است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۱۰۰). البته روشن است که قرآن هرگونه ایجاد مجموعه و هر نوع تشکیل نظام تبعیت و مدیریت را مطلوب نمی‌داند و در این خصوص، محدودیت‌هایی ایجاد کرده است؛ مثلاً، تبعیتی را که بر مبنای تحقیر و استخفاف باشد مطلوب نمی‌داند و آن را عمل فرعون معرفی می‌کند. خداوند در آیه ۵۴ سوره زخرف می‌فرماید:

«فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ»؛ (فرعون) قوم خود را سبک شمرد در نتیجه، از او اطاعت کردند. آنان قومی فاسق بودند.

در سیره و عمل انبیای عظام نیز مشاهده می‌شود که آنان به هیچ وجه تبعیت کورکورانه یا از روی استخفاف را مطلوب نمی‌دانستند. اگرچه عموم انبیا مردم را به تبعیت از خود دعوت نمودند، اما این تبعیت را در پناه تقوای الهی و

در ضمن بصیرت‌بخشی طلب می‌کردند. قرآن در یازده آیه از قول انبیا نقل می‌کند که آنان مردم را با تعبیر «اطیعون» به اطاعت از خود دعوت می‌کردند؛ اما در همه آیات، پیامبران امر به اطاعت از خود را با امر به تقوی الهی مقارن می‌کردند. برای مثال، خداوند در آیه ۵۰ سوره آل عمران از قول حضرت عیسی علیه السلام چنین می‌فرماید:

«وَ مَصَدَّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ لِأَجْلِ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُون»؛ و آنچه را پیش از من از تورات بوده است، تصدیق می‌کنم و (آمده‌ام) تا برخی از چیزهایی را که (بر اثر ظلم و گناه) بر شما حرام شده (مانند گوشت بعضی از چهارپایان و ماهی‌ها)، حلال کنم و نشانه‌ای از سوی پروردگار شما، برایتان آورده‌ام. پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.

بنابراین، قرآن علاوه بر ایجاد محدودیت در نظام تبعیت افراد از یکدیگر، خود یک نظام تبعیت مشخص ایجاد کرده است. قرآن در آیات متعددی مؤمنان را از اینکه منافقان (نساء: ۸۹) یا کفار (نساء: ۱۴۴) یا یهود و نصارا (مائده: ۵۱) یا دشمنان خدا (ممتحنه: ۱) را ولی قرار دهند، نهی کرده است. در مقابل، مؤمنان به اطاعت از خدا و رسول و اولیای الهی امر شده‌اند. خداوند در آیات متعدد قرآن مانند (آل عمران: ۳۲ و ۱۳۲؛ مائده: ۱۹۲؛ و انفال: ۱ و ۲۰ و ۴۶) به اطاعت از خدا و رسول امر کرده است. در آیه ۵۹ سوره نساء چنین می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء: ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوا الأمر [اوصیای پیامبر] را، و هر گاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید)، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است.

در مجموع و با توجه به آیات متعدد قرآن، می‌توان گفت: قرآن علاوه بر پذیرش اصل «نظم تبعیت» و ایجاد مدیریت، یک نظام خاص تبعیت و مدیریت را صحیح و مطلوب می‌داند و نظام‌های مدیریتی دیگر را ناصحیح و نامطلوب معرفی می‌کند.

با این بیان، می‌توان ادعا کرد که «مدیریت» اگر بخواهد به‌عنوان مفهومی دینی با مفهوم مقدس «جهاد» ترکیب شود و امری مطلوب از منظر دین به‌شمار آید، لازم است اصل آن از منظر اسلام پذیرفته باشد. بنابراین، اولین نکته‌ای که باید در تحلیل مفهوم «مدیریت جهادی» به آن توجه داشت این است که «مدیریت جهادی» را نمی‌توان در الگوهای غیردینی مدیریت جست‌وجو کرد و اولین شرط تحقق مدیریت جهادی، مطلوب‌بودن اصل یک الگوی مدیریت از منظر اسلام است.

مشخصه‌های جهاد مطلوب از منظر قرآن

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، مفهوم «جهاد» در فرهنگ اسلامی، مفهومی کلیدی و مقدس است. در اسلام، امور مطلوب و پسندیده متعددی مطرح شده‌اند که هر کدام جایگاه خاص خود را دارند؛ اما جایگاه جهاد بر اساس

احادیثی که در مقدمه به آنها اشاره شد، جایگاهی عالی و بلندمرتبه است. مرحوم علامه مجلسی به حدیث دیگری اشاره دارد که در آن جهاد بالاتر از هر نیکی به شمار آمده است (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷، ص ۱۱۹).

در قرآن، «جهاد» مفهومی پرکاربرد و مقدس است. مشتقات ریشه (ج ه د) در قرآن ۴۱ بار به کار رفته که دارای بار ارزشی مثبت است، به جز در موارد محدودی مانند آیات ۵۳ سوره نور، که واژه جهاد در معنای لغوی و بدون بار مثبت یا منفی به کار رفته؛ یا برخی آیات مانند آیه ۴۲ سوره فاطر و ۱۵ سوره لقمان و ۸ سوره عنکبوت، که بار ارزشی منفی دارد و بر تلاش پدر و مادر و مبارزه آنها برای مشرک کردن فرزند اطلاق شده است. تحلیل کامل مفهوم «جهاد» در قرآن، نیازمند بررسی تک تک آیاتی است که مفهوم جهاد و مفاهیم مرتبط با آن در آنها به کار رفته و همچنین بررسی روایات مرتبط با تفسیر آن آیات است. این کار از حوصله این مقاله خارج است و در اینجا، صرفاً تلاش شده است با دسته‌بندی آیات و استخراج نکات مشترک، اصلی‌ترین مشخصه‌های جهاد از منظر قرآن بیان شود. برای این کار، همه آیاتی که در آنها واژه «جهاد» یا مشتقات آن به کار رفته اجمالاً ملاحظه شده است و بر اساس ظواهر آیات، اموری که در جهاد دخالت دارد و با آن مرتبط است استخراج شده که در ادامه فهرست‌وار به آنها اشاره می‌شود:

۱. در راه خدا بودن

برجسته‌ترین ویژگی جهاد از منظر قرآن، موضوع «انگیزه و جهت» آن است. از نگاه قرآن، صرف جهاد کافی نیست. در بیشتر آیاتی که از جهاد سخن گفته شده، با تعابیری مانند «فی سبیل‌الله» (بقره: ۲۱۸؛ نساء: ۹۵؛ مائده: ۵۴؛ انفال: ۷۲ و ۷۴؛ توبه: ۱۹ و ۲۰ و ۴۱ و ۸۱؛ حجرات: ۱۵؛ صف: ۱۱)، «فی سبیل» (مائده: ۳۵؛ توبه: ۲۴)، «فی‌الله» (حج: ۷۸) انگیزه جهاد «در راه خدا بودن» معرفی شده است. اینکه جهاد چگونه باشد، با چه ابزاری انجام شود و ابعادی مشابه این، از منظر قرآن، در درجه اول اهمیت نیست. مهم‌ترین موضوع در بحث جهاد، این است که انگیزه الهی در آن باشد و صرفاً برای خدا و در راه خدا انجام شود.

نکته دیگر اینکه جهاد مطلوب از منظر قرآن، ممکن است از جهات دیگر دارای تنوع باشد و - مثلاً - با ابزارهای گوناگون یا در مقابل گروه‌های مختلفی صورت پذیرد؛ اما از لحاظ انگیزه و هدف، جهاد مطلوب دارای تنوع نیست و صرفاً جهادی مطلوب است که به انگیزه الهی باشد. این نکته را می‌توان از این مطلب استفاده کرد که در قرآن، هر جا سخن از جهاد است و انگیزه آن مطرح شده، فقط انگیزه «لهی‌بودن» برای جهاد مطلوب بیان شده است.

۲. تقدم ایمان به خدا بر جهاد

در آیات متعددی از قرآن مانند (بقره: ۲۱۸؛ انفال: ۷۲ و ۷۴ و ۷۵؛ توبه: ۱۹؛ ۲۰؛ ۸۶)، که موضوع جهاد در آنها مطرح شده، مسئله ایمان به خدا نیز طرح شده است. در این قسمت، برای نمونه، به یک آیه اشاره می‌شود. خداوند در آیه ۲۰ سوره توبه می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ

اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (توبه: ۲۰)؛ آنها که ایمان آوردند و هجرت کردند، و با مال‌ها و جان‌هایشان در راه خدا جهاد کردند، مقامشان نزد خدا برتر است و آنها پیروز و رستگارند (توبه: ۲۰).

در همه این آیات، موضوع ایمان بر جهاد مقدم است. این نکته نشانگر آن است که جهاد مطلوب از منظر قرآن، حتماً باید پس از ایمان به خدا تحقق پیدا کند. به بیان دیگر، جهاد از منظر قرآن، در مرتبه بعد از ایمان امکان‌پذیر است و تا شخص ایمان نداشته باشد، نمی‌توان انتظار داشت جهاد مطلوب از سوی او محقق شود.

۳. همراه‌نبودن جهاد با تردید

از ویژگی‌های دیگر جهاد در قرآن، این است که جهاد با تردید همراه نمی‌شود. اگرچه جهاد در راه خدا در فرض ایمان به خدا، امکان‌پذیر است؛ اما اگر ایمان با شک و تردید همراه شود امکان جهاد فراهم نخواهد شد و شخص به جهاد تن نمی‌دهد. خداوند در آیه ۱۵ سوره حجرات می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات: ۱۵)؛ مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند سپس شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کرده‌اند آنها راست‌گویانند» (حجرات: ۱۵).

در این آیه، علاوه بر موضوع «ایمان به خدا و رسول» که در نکته قبل به آن اشاره شد، بر موضوع «نفی تردید و شک» تأکید شده است. دقت در تعبیر این آیه و تأمل در حروف عطفی که در آن به کار رفته، بیانگر آن است که جهاد مرتبه بالاتری از اصل «ایمان» است. در این آیه، نبود تردید (لم يرتابوا) و جهاد (جاهدوا) با حرف عطف «واو»، که بیانگر نوعی همراهی و مقارنت، است بر هم عطف شده است، درحالی‌که، نبود تردید و جهاد، با حرف «ثم»، که بیانگر نوعی ترتب و فاصله است، بر ایمان به خدا و رسول (آمنوا بالله و رسوله) عطف شده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که جهاد در راه خدا همراه نفی تردید و شک، اما پس از ایمان به خدا و رسول است.

۴. نداشتن دوستی و رابطه غیرالهی

یکی دیگر از لوازم جهاد مطلوب از منظر قرآن این است که جهادگر نباید رابطه دوستی غیرالهی داشته باشد. جهاد مطلوب علاوه بر اینکه باید در راه خدا باشد و ایمان مقدم بر آن است، نمی‌تواند با دوستی غیرالهی همراه شود. به بیان دیگر، از منظر قرآن، ارتباط و دوستی غیرالهی، با جهاد مطلوب، قابل جمع نیست. خداوند در آیه ۱۶ سوره توبه می‌فرماید: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ لَمَّا يَنْتَحِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَا رَسُولِهِ وَ لَا الْمُؤْمِنِينَ وَ لِيَجْزِيَ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (توبه: ۱۶)؛ آیا گمان کردید که (به حال خود) رها می‌شوید، درحالی‌که هنوز کسانی که از شما جهاد کردند، و غیر از خدا و رسولش و مؤمنان را محرم اسرار خویش انتخاب نمودند، (از دیگران) مشخص نشده‌اند؟! (باید آزموده شوید و صفوف از هم جدا گردد)، و خداوند به آنچه عمل می‌کنید، آگاه است.

همچنین در آیه اول سوره ممتحنه مؤمنانی که قصد جهاد در راه خدا دارند به شدت از دوستی با دشمنان خدا

منع شده‌اند. در بخشی از این آیه آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي ...»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می‌کنید، درحالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند و پیامبر خدا و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همهٔ شماست، از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند. اگر شما برای جهاد در راه من و جلب خشنودیم هجرت کرده‌اید (پیوند دوستی با آنان برقرار نسازید).

از این دو آیه، استفاده می‌شود که جهاد در راه خدا به هیچ وجه، با ایجاد رابطهٔ دوستی با غیرخدا قابل جمع نیست و هرگونه اقدام جهادی علاوه بر اینکه باید در راه خدا باشد، لازم است در راستای مقابله با غیرخدا قرار گیرد و امکان ندارد اقدام جهادی با برقراری رابطهٔ دوستی با غیرخدا همراه شود.

۵. اطاعت نکردن از کفار

یکی دیگر از ویژگی‌های جهاد در قرآن جهاد همراه با نفی اطاعت از کفار است. خداوند در آیهٔ ۵۲ سورهٔ فرقان می‌فرماید: «فَلَا تَطْعَ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدُهُمْ بِ جِهَادٍ كَبِيرًا» (فرقان: ۵۲)؛ پس از کافران اطاعت مکن، و به وسیله آن [قرآن] با آنان جهاد بزرگی بنما.

در این آیه، خداوند پس از نفی از اطاعت کافران، به جهاد با آنها دستور می‌دهد. از این نکته، می‌توان استفاده کرد که جهاد با کفار، نه فقط با دوستی کفار سازگار نیست، بلکه نمی‌تواند با اطاعت آنها، حتی اگر از سر دوستی هم نباشد، همراه شود. باید توجه داشت که اطاعت از کسی الزاماً ناشی از محبت و دوستی نیست و چه بسا افرادی که به سبب ترس یا به انگیزه‌های دیگر، از کسی اطاعت می‌کنند. در این آیه، خداوند از هر نوع اطاعت از کفار نفی کرده است و سپس به جهاد با آنان دستور می‌دهد.

با توجه به اینکه نفی اطاعت از کفار مطابق آیات دیگر قرآن مانند آیه ۲۱۷ سورهٔ بقره، نتیجه‌ای جز درگیری آنان با حق ندارد، پیامبر اکرم ﷺ بلافاصله پس از نفی از اطاعت نکردن از کفار، به جهاد بزرگ با آنان امر می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که جهاد با باطل امری دائمی و مستمر است؛ زیرا اطاعت نکردن از کفار و درگیری آنان با حق نیز امری دائمی و مستمر است.

۶. تقدم تقوا و ابراز بندگی بر جهاد

خداوند در آیهٔ ۳۵ سورهٔ مائده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده: ۳۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و وسیله‌ای برای تقرب به او بجویید! و در راه او جهاد کنید، تا رستگار شوید.

در این آیه، تقوا داشتن و به‌کارگیری وسیله به سوی خداوند مقدم بر جهاد شمرده شده است. مرحوم علامه

طباطبائی در تفسیر معنای «ابتغاء وسیله»، در نهایت، این عبارت را به معنای «تحقق به حقیقت عبودیت و اظهار فقر و بندگی نسبت به خدا» می‌داند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۳۲۸). بنابراین، لازم است جهاد در راه خدا همراه تقوای الهی و ابراز عبودیت به درگاه او باشد. باید توجه داشت که این آیه خطاب به مؤمنان است و نشان می‌دهد که تقوای الهی داشتن و اظهار بندگی امری ورای ایمان و بالاتر از آن است. این آیه بیان می‌کند که علاوه بر ایمان، برای جهاد مطلوب، داشتن تقوا و ابراز عبودیت هم لازم است.

۷. نرمی با مؤمنان و سختی با کافران و نه‌راسیدن از سرزنش

در بخشی از آیه ۵۴ سوره مائده، خداوند به آمدن گروهی خاص، که محبوب خداوند هستند، وعده داده، چنین می‌فرماید: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده: ۴۵)؛ خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند. آنها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌هراسند.

در این آیه، به سه ویژگی کسانی که در راه خدا جهاد می‌کنند اشاره شده است:

ویژگی اول نرمی با مؤمنان است. برای جهاد در راه خدا مؤمنان جهادگر باید نسبت به هم ملاحظت و نرمی داشته باشند و با رحمت نسبت یکدیگر رفتار کنند.

ویژگی دوم سرسختی نسبت به کفار است. جهادگران به همان نسبت که به مؤمنان نرمی دارند و با رحمت برخورد می‌کنند، باید نسبت به کفار سرسختی نشان دهند و با شدت برخورد کنند.

نکته سوم در این آیه، این است که جهادگران در راه خدا از ملامت ملامت‌گران هراسی ندارند؛ زیرا ممکن است جهاد در راه خدا، که با شدت عمل نسبت به کفار همراه است، سبب ملامت برخی شود و جهادگران نباید نسبت به این ملامت هراسی به خود راه دهند.

۸. به کارگیری تمام دارایی‌ها

قرآن جهاد در راه خدا را مقید به استفاده از ابزار خاصی نکرده است. در آیات متعددی، جهاد در راه خدا به صورت مطلق مطلوب شمرده شده که این اطلاق نشان‌دهنده نوعی شمول در متعلق و ابزار آن است. علاوه بر این اطلاق، که دال بر شمول است، در موارد متعددی از قرآن (نساء: ۹۵؛ انفال: ۷۲؛ توبه: ۲۰) با استفاده از تعابیر عام بر این عمومیت تأکید شده است. در این آیات، تعابیری مانند (باموالهم و انفسهم) دیده می‌شود که به صراحت، بیانگر این نکته است که در جهاد در راه خدا، باید تمام امکانات مادی و معنوی به کار گرفته شود.

۹. نیاز به صبر

یکی از مفاهیمی که به طور خاص در قرآن با مفهوم جهاد مقارن شده و همواره پس از آن ذکر شده مفهوم «صبر» است. خداوند در آیه ۱۱۰ سوره نحل می‌فرماید: «ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثَمَّ جَاهَدُوا وَ صَبَرُوا إِنَّ

رَبِّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل: ۱۱۰)؛ اما پروردگار تو نسبت به کسانی که بعد از فریب‌خوردن، (به ایمان بازگشتند و) هجرت کردند، سپس جهاد کردند و در راه خدا استقامت ورزیدند پروردگارت بعد از انجام این کارها، بخشنده و مهربان است (و آنها را مشمول رحمت خود می‌سازد).

همچنین در آیه ۱۴۲ سورة آل عمران چنین آمده است: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۲)؛ آیا چنین پنداشتید که (تنها با ادعای ایمان) وارد بهشت خواهید شد، درحالی که خداوند هنوز مجاهدان از شما و صابران را مشخص نساخته است؟

در آیه ۳۱ محمد نیز مفهوم «جهاد» با «صبر» مقارن شده و چنین آمده است: «وَلَنبَلِّغَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُؤًا أَخْبَارَكُمْ» (محمد: ۳۱)؛ قطعاً ما همه شما را می‌آزماییم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابرانتان کیانند، و اخبار شما را بیازماییم.

با توجه به این تقارن معنادار، می‌توان دریافت که از منظر قرآن، جهاد در راه خدا نیازمند صبر و استقامت است. اگرچه ممکن است جهاد در خصوص تصمیمات و اقدامات مقطعی هم مصداق داشته باشد و با یک تک اقدام جهاد در راه خدا محقق شود، اما عموماً جهاد نیازمند صبر و تحمل است و بر اساس آیاتی که به آنها اشاره شد، جهاد به همراه صبر و تحمل تحقق پیدا می‌کند.

۱۰. تقدم هجرت بر جهاد

در ۶ آیه از آیات قرآن، مفهوم «جهاد» به طور خاص با مفهوم «هجرت» مقارن شده و در همه آیات، جهاد بعد از هجرت مطرح گردیده است. خداوند در آیه ۲۱۸ سورة بقره می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره: ۲۱۸)؛ کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنها به رحمت پروردگار امید دارند و خداوند آمرزنده و مهربان است.

نیز در سورة انفال در آیه ۷۲ و ۷۴ و ۷۵ دو مفهوم «جهاد» و «هجرت» مقارن گردیده و در آیه ۷۴ چنین آمده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»؛ و آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی‌اند. برای آنها آموزش (و رحمت خدا) و روزی شایسته‌ای است.

در آیه ۲۰ سورة توبه نیز خداوند چنین می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرًا عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»؛ آنها که ایمان آوردند و هجرت کردند و با مال‌ها و جان‌هایشان در راه خدا جهاد کردند، مقامشان نزد خدا برتر است و آنها پیروز و رستگارند.

در این آیات و نیز در آیه ۱۱۰ سورة نحل - که در بحث صبر به آن اشاره شد - مفهوم «جهاد» به طور ویژه‌ای با مفهوم «هجرت» مقارن شده است. از این نوع بیان، می‌توان استفاده کرد که در موارد زیادی برای تحقق جهاد نیاز است که قبل از آن، هجرت محقق شود.

از نظر لغوی، «هجرت» ترک یک چیز به همراه وجود ارتباط است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۲۴۰). بنابراین، شاید مناسب‌ترین واژه در زبان فارسی که می‌تواند معادل «هجرت» قرار گیرد، واژه «دل‌کندن» باشد. اگرچه در نگاه عرفی، «هجرت» به معنای حرکت و مسافرت است، اما حقیقت هجرت دل‌کندن از چیزی است که انسان به آن تعلق پیدا کرده است؛ مثلاً، وقتی شخصی از وطن خود هجرت می‌کند و به جای دیگر می‌رود، درواقع، از سرزمین و مسکنی که به آن علاقه داشته دل‌کنده و آن را رها کرده است که لازمهٔ این رها کردن، حرکت و مسافرت است. با توجه به توضیحات مزبور، می‌توان به ده ویژگی مهم دربارهٔ جهاد اشاره کرد. خلاصه‌وار این ده ویژگی و مستند آنها در جدول ذیل آمده است:

ردیف	مشخصه	مستند
۱	در راه خدا بودن	نساء: ۵۴؛ مائده: ۹۵
۲	تقدم ایمان به خدا بر جهاد	بقره: ۲۱۸؛ انفال: ۷۲ و ۷۴؛ توبه: ۱۹ و ۲۰ و ۸۶ و ۸۸
۳	همراهی جهاد با نبود تردید	حجرات: ۱۵
۴	نداشتن دوستی و رابطهٔ غیرالهی	توبه: ۱۶؛ ممتحنه: ۱
۵	اطاعت نکردن از کفار	فرقان: ۵۲
۶	تقدم تقوا و ابراز بندگی بر جهاد	مائده: ۳۵
۷	نرمی با مؤمنان و سختی با کافران و نه‌راسیدن از سرزنش	مائده: ۵۴
۸	به‌کارگیری تمام دارایی‌ها	اطلاق آیات متعدد آیهٔ ۹۵ سورهٔ نساء و ۷۲ سورهٔ انفال
۹	نیاز به صبر	نحل: ۱۱۰؛ آل‌عمران: ۱۴۲؛ محمد: ۳۱
۱۰	تقدم هجرت بر جهاد	بقره: ۲۱۸؛ انفال: ۷۲ و ۷۴؛ توبه: ۲۰

رابطهٔ مدیریت با جهاد

در بحث قبل، ده مشخصه دربارهٔ جهاد از منظر قرآن مطرح شد. این ده ویژگی مشخصات عامی بود که اختصاصی به مدیریت نداشت. با توجه به موضوع مقاله، که مشخصه‌های مدیریت جهادی از منظر قرآن است، این بحث مطرح می‌شود که اساساً جهاد چه ارتباطی با مدیریت دارد؟ و آیا در بحث مدیریت هم می‌توان از موضوع جهاد بحث کرد؟ مشکلی که در اینجا مطرح است این است که وصف «جهادی» را نمی‌توان برای هر واژه‌ای به کار برد و این وصف صرفاً می‌تواند توصیف‌کننده مفاهیمی باشد که به نوعی با عناصر مفهوم جهاد مرتبط باشند. برای مثال، وصف «جهادی» را نمی‌توان برای دعاکردن یا صدقه‌دادن به کار برد؛ زیرا این مفاهیم، اگرچه که مفاهیم خوب و مقدسی هستند، اما تناسبی با مفهوم «جهاد» ندارند. بنابراین، قبل از بحث دربارهٔ ویژگی‌های «مدیریت جهادی»، لازم است دربارهٔ اصل مفهوم «مدیریت جهادی» و رابطهٔ دو مفهوم «مدیریت» و «جهاد» بحث شود.

ریشهٔ «جهاد» در لغت، به معنای به‌کارگیری «نهایت تلاش و توان» است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۳۴). از لحاظ ادبی نیز وقتی این ریشه در باب مفاعله، که جهاد مصدر این باب است، قرار می‌گیرد، مفهوم مقابله و طرف‌داشتن به آن اضافه می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که جهاد تلاشی است که در جهت مقابله با کاری

انجام می‌شود. از سوی دیگر، از حیث استعمالات قرآنی، واژه «جهاد» و مشتقات آن در بیشتر جاها به صورت جمع به کار رفته است. از این نکته می‌توان استفاده کرد که جهاد غالباً مربوط به کار جمعی و گروهی است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در مجموع، اصطلاح «جهاد» در قرآن، غالباً به همراه سه عنصر «تلاش فراوان»، «مقابله با طرف مقابل» و «کار جمعی و گروهی» به کار رفته است.

حال باید دید این سه عنصر چه ارتباطی با مدیریت دارند؟ و آیا مدیریت می‌تواند متصف به وصف «جهادی» شود. از لحاظ نیاز به تلاش و کوشش، مدیریت غالباً کاری پرمشقت و نیازمند تلاش و کوشش فراوان است. بنابراین، از این نظر، مدیریت می‌تواند مصداقی برای جهاد باشد.

عنصر دوم در مفهوم «جهاد»، داشتن طرف و مقابل است. از این نظر نیز مدیریت می‌تواند مربوط به اموری باشد که دارای طرف و مقابل هستند. حتی می‌توان ادعا کرد که اساساً مدیریت در فضای دینی، با توجه به تقابل دائمی حق و باطل، مدیریتی همراه با مانع و تقابل است و مدیریت دینی خود به خود، واجد حیثیت جهادی است. عنصر سوم مفهوم «جهاد»، که از استعمالات قرآنی آن استفاده شود نیز کاملاً به مدیریت مربوط است؛ زیرا اساساً کار جمعی و گروهی نیازمند مدیریت است و از این جهت جهاد با مدیریت مرتبط است.

آنچه تاکنون اثبات شد این است که «مدیریت» و «جهاد» دارای عناصر مشترکی هستند و می‌توان وصف «جهادی» را برای مدیریت به کار برد. اما اینکه قرآن به طور خاص عنوان «جهاد» را برای مدیریت به کار برده باشد از این نکته قابل استفاده نیست. البته روشن است که قرآن اصطلاح «مدیریت جهادی» را به کار نبرده است، اما می‌توان مؤیداتی پیدا کرد که قرآن در جاهایی کار مدیریت را جهاد تلقی کرده است. این مسئله را شاید بتوان در خطاب خاص قرآن به پیامبر در دو آیه ۷۳ سوره توبه و ۹ سوره تحریم، که به شخص پیامبر به‌عنوان مدیر جامعه اسلامی دستور جهاد می‌دهد، استفاده کرد. اینکه قرآن شخص پیامبر را به جهاد امر می‌کند، اگر به معنای ایجاد حرکت جمعی در جهاد با کفار و منافقان باشد، در این صورت، چنین امری در واقع امر، به معنای مدیریت جهادی است.

در روایات نیز تصریح شده که یک نوع جهاد، جهادی است که مدیر در مقام اداره انجام می‌دهد. در بخشی از وصیت امیرالمؤمنین به فرزند خود امام حسن علیه السلام این گونه آمده است: «وَاللَّهِ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ، فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ رَجُلَانِ: إِمَامٌ هُدًى، وَ مُطِيعٌ لَهُ مُقْتَدٍ بِهَدَاهُ»؛ خدا را در نظر بگیرید! خدا را در نظر بگیرید! خدا را در نظر بگیرید! امام هدایت‌گر و تبعیت‌کننده‌ای که به هدایت او اقتدا کرده است (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۹۲۶).

بنابراین، با توجه به آیات و روایات، می‌توان گفت: اطلاق جهاد بر مدیریت یک اطلاق پذیرفته شده از منظر قرآن و سنت است و ترکیب «مدیریت جهادی» اگرچه در تعبیر دینی به کار نرفته، اما حقیقت آن از منظر دین پذیرفته شده است.

مشخصه‌های مدیریت جهادی

با توجه به تحلیلی از مدیریت که در ابتدای مقاله از منظر اسلام صورت گرفت و با توجه به مشخصه‌هایی که برای

جهاد از منظر قرآن بیان شد، می‌توان مشخصه‌های مدیریت جهادی از منظر قرآن را استنباط نمود. این ویژگی‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف. مشخصه‌های شخصی مدیر جهادی

از میان مشخصه‌هایی که برای جهاد از منظر قرآن ذکر شد، برخی ویژگی‌ها مربوط به شخص مدیر است. بر اساس این مشخصه‌ها، می‌توان دریافت که مدیریت جهادی از هر شخص با هر ویژگی، محقق نمی‌شود و برای اینکه مدیریت جهادی تحقق پیدا کند، لازم است مدیر دارای ویژگی‌های خاصی باشد. باید توجه داشت که ویژگی‌های مدیر در نوع اقدامات او نیز تأثیرگذار است؛ اما در این بحث این نکته مد نظر نیست و به بحث بعد واگذار می‌شود.

۱. **اخلاص مدیر:** از ویژگی اول جهاد، یعنی در راه خدا بودن، می‌توان استفاده کرد که مدیر جهادی حتماً باید دارای اخلاص باشد و برای خدا مدیریت کند. این ویژگی با اصل مدیریت پذیرفته شده از منظر اسلام هماهنگ است، و اگر شخص مدیر فاقد این ویژگی بودن و اخلاص نداشته باشد اساساً مدیریت او از منظر قرآن پذیرفته نیست.

۲. **باور و اعتقاد به وعده‌ها و دستوره‌های الهی:** یکی از مشخصه‌هایی که در بحث قبل برای جهاد بیان شد، موضوع «ایمان به خدا و رسول» بود. ایمان به خدا مراتب متعددی دارد و از ایمان به توحید و مراتب آن، تا ایمان به دستورات الهی را شامل می‌شود. ایمان به خدا، ایمان به غیب و عوالم دیگر، ایمان به حساب و قیامت، ایمان به وعده‌های الهی و ایمان به تک‌تک دستوره‌های خدا و احکام دین از مصادیق ایمان به خدا و رسول است که برای هر فرد مؤمن از جمله مدیر جهادی لازم است؛ اما آنچه در مدیر جهادی ضرورت بیشتری دارد و از ویژگی‌های مدیر جهادی محسوب می‌شود «ایمان به وعده‌های الهی و دستوره‌های خداوند» است. ویژگی مدیریت، «ناظر به عمل بودن» آن است. بنابراین، ویژگی مدیر جهادی، ایمان به امور عملی دین است. ایمان به وعده‌های الهی، و دستوره‌های خداوند، ایمانی است که تأثیر آن در عمل برجسته است، و ضعف در ایمان به این امور، به شدت در عمل مدیر جلوه‌گر می‌شود و مدیریت وی را از حالت جهادی خارج می‌کند.

۳. **دل‌ن بستن به شیوه‌های غیردینی مدیریت:** این ویژگی را می‌توان از مشخصه عدم دوستی و رابطه با غیرخدا در مفهوم جهاد استنباط کرد. لازمه عدم تمایل به غیر خدا در موضوع مدیریت، این است که مدیر در شیوه مدیریت خود نیز به غیرخدا دل نبندد و شیوه‌های غیردینی مدیریت را راه‌گشای خود نداند. البته روشن است که اگر مدیر از ویژگی قبل برخوردار باشد و ایمان کاملی داشته باشد، هرگز به غیرخدا اعتماد نمی‌کند و شیوه‌های غیردینی مدیریت را به رسمیت نمی‌شناسد. اما ممکن است کسی تصور کند که در ضمن ایمان به خدا، می‌توان به غیرخدا هم اعتماد کرد. با توجه به این نکته، این ویژگی را می‌توان به صورت مستقل در نظر گرفت.

۴. **روحیه صبر و تحمل در مدیریت:** مشخصه دیگر شخص مدیر جهادی «داشتن روحیه تحمل و صبر» است. اساساً مدیریت به طور عام، نیازمند سعه صدر و تحمل است و افراد کم‌تحمل، حتی در مسیر باطل هم

نمی‌توانند به خوبی مدیریت کنند. از حضرت ﷺ نقل شده است که فرمودند: «أَلَّهُ الرَّيَّاسَةَ سَعَةُ الصَّدْرِ» (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۰۱)؛ ابزار ریاست و مدیریت سعه صدر و تحمل است.

بنابراین، اساس مدیریت نیازمند صبر و سعه صدر است؛ اما با توجه به ویژگی نهم جهاد در قرآن، به نظر می‌رسد که مدیریت جهادی نیازمند صبر ویژه‌ای است؛ زیرا مدیریت جهادی با توجه به ویژگی‌های دیگری که دارد، بسیار پرمشقت و طاقت‌فرساست. بنابراین، صبر و تحمل مدیر جهادی نیز باید به مراتب بیش از سایر مدیران باشد.

۵. **روحیه تلاش و جدیت در کار:** یکی دیگر از مشخصه‌های مدیر جهادی، برخورداری از روحیه تلاش و جدیت است. این ویژگی از تحلیل مفهوم «جهاد» قابل برداشت است. «تلاش و جدیت و سرسختی و پیگیری»، مفاهیمی هستند که از تحلیل لغوی اصل مفهوم «جهاد» قابل استفاده است. مدیری که فاقد این روحیه باشد، از اساس دور از مفهوم «جهاد» است و نمی‌توان از او انتظار داشت که مدیریت جهادی داشته باشد.

۶. **ثبات قدم و عدم تردید در اقدام و عمل:** یکی از ویژگی‌های مهمی که برای جهاد از منظر قرآن بیان شد، همراهی جهاد با عدم تردید بود. براین اساس، مدیر جهادی باید استوار و ثابت قدم بوده، در اقدام و عمل خود، تردید نداشته باشد. همان گونه که اشاره شد، مدیریت جهادی نیازمند تلاش و اقدام است. تلاش و کوشش زیاد می‌تواند در افراد کم ظرفیت خستگی و به دنبال آن، سست قدمی و تردید ایجاد کند. از سوی دیگر، عدم تردید می‌تواند زمینه‌ای برای ایجاد روحیه تلاش و جدیت و عاملی برای ایجاد صبر و تحمل باشد. بنابراین، مدیر جهادی باید ثابت قدم بوده و در اقدام و عمل خود تردید نداشته باشد.

۷. **دل‌کندن از منافع شخصی و پی‌گیری منافع عمومی:** ویژگی دهمی که درباره جهاد در قرآن مطرح شد، «تقدم هجرت بر جهاد» بود. گفته شد که مفهوم ریشه‌ای در هجرت، «دل‌کندن از تاملات» است. این ویژگی اگر بخواهد بر مشخصات مدیر تطبیق داده شود می‌توان آن را با «دل‌کندن از منافع شخصی» تطبیق داد. این ویژگی در مدیر از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا وظیفه اصلی مدیر هماهنگ‌سازی اقدامات کارکنان در جهت هدف سازمان است، و اگر خود مدیر در کار مدیریت از منافع شخصی دل‌نکند و پیگیر منافع سازمان نباشد به سختی می‌تواند اقدامات سایر کارکنان را در جهت منافع سازمان هماهنگ کند.

۸. **نرم‌خویی با دوستان و سرسختی با دشمنان:** بر اساس ویژگی هشتم از ویژگی‌های جهاد در قرآن، جهادگر باید نسبت به دوستان نرمی و لطافت، و نسبت به دشمنان تندی و خشونت داشته باشد. مدیر جهادی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و لازم است مدیر جهادی نسبت به دوستان نرم‌خو و نسبت به دشمنان تند و خشن باشد.

ب. ویژگی‌های اقدامات مدیریتی در مدیریت جهادی

برای تحقق مدیریت جهادی، علاوه بر ویژگی‌ها و صفات شخص مدیر، اقدامات مدیریتی وی نیز باید دارای

ویژگی‌ها و مشخصات خاصی باشد. این ویژگی‌ها را می‌توان بر اساس مشخصات جهاد در قرآن استنباط کرد که در ادامه، به آنها اشاره می‌شود:

۱. **توجه به چالش‌ها و مشکلات:** بر اساس تحلیل مفهوم «جهاد» می‌توان به این نتیجه رسید که اقدام مدیریت جهادی مربوط به موضوعات چالشی و تقابلی است. همان‌گونه که در تحلیل مفهوم «جهاد» اشاره شد، اگرچه جهاد به معنای تلاش و کوشش است، اما نه هر تلاش و کوششی، بلکه تلاش و کوششی که برای مقابله با یک مانع صورت می‌گیرد. بر این اساس، اقدامات مدیریت جهادی در فضایی تحقق می‌یابد که فضای چالش و تقابل باشد. تلاشی که در مسیر هموار و بدون داشتن مانع و مشکلات صورت گیرد، مصداق جهاد نیست و مدیریتی هم که در این مسیر باشد، مدیریت جهادی نخواهد بود.

۲. **شیوه‌های نو در اقدام و عمل:** از مشخصه‌های جهاد در قرآن، این بود که جهاد با همه ابزارها و امکانات تحقق پیدا می‌کرد. براین اساس، در مدیریت جهادی نیز باید از همه ابزارها و امکانات مدیریتی استفاده کرد و اقدامات مدیریت جهادی منحصر در شیوه‌ها و ابزارهای تعریف‌شده و متعارف نیست. در مدیریت جهادی، باید از همه ابزارها استفاده کرد. بنابراین، یافتن شیوه‌های نو در اقدام مدیریتی، در مدیریت جهادی بسیار بااهمیت است.

۳. **رعایت قواعد و اصول دینی:** در مشخصه قبلی بیان شد که در مدیریت جهادی، از همه شیوه‌ها و امکانات استفاده می‌شود؛ اما باید توجه داشت که این کار مقید است به اینکه در اقدامات مدیریتی، قواعد و اصول دینی رعایت شود. این مطلب را می‌توان با توجه به ویژگی اول، دوم و ششم جهاد در قرآن استنباط کرد. بر اساس نکته اول، جهاد مطلوب از منظر اسلام، صرفاً جهاد در راه خداست. بنابراین، اقدامات مدیریت جهادی الزاماً باید به گونه‌ای باشد که رضایت خداوند تحصیل شود و نمی‌توان با اقداماتی که تحصیل‌کننده رضایت الهی نیست، ادعای مدیریت جهادی داشت. همچنین بر اساس نکته دوم و ششم، ایمان به خدا و تقوای الهی بر جهاد مقدم است. بنابراین، اقدامات مدیریت جهادی نیز باید سازگار با ایمان به خدا و تقوا باشد. به عبارت دیگر، اقدامات مدیریت جهادی باید با رعایت قواعد و اصول دینی انجام شود.

۴. **استمرار و پایداری در عمل و پرهیز از شتاب‌زدگی:** در ویژگی نهم از ویژگی‌های جهاد در قرآن، اشاره شد که جهاد با صبر همراه است و جهاد در قرآن نیازمند صبر است. از این نکته می‌توان استفاده کرد که جهاد امری مستمر و پایدار است و به همین سبب، هر اقدام جهادی و به تبع آن، اقدامات مدیریت جهادی با شتاب‌زدگی و عجله سازگار نیست. اگرچه در جهاد اقدام و فعالیت و تحرک و تلاش وجود دارد، اما هیچ‌کدام از این مفاهیم به معنای عجله و شتاب‌زدگی نیست. جهادگر لازم است تمام همت و تلاش خود را به کار گیرد؛ اما در عین حال، باید صبر و تحمل زیادی داشته باشد و از بروز مشکلات و موانع نهراسد و به تلاش و مبارزه خود ادامه دهد. بنابراین، صبر و استقامت موجب استمرار جهاد است؛ زیرا اگر شخصی تحمل و استقامت نداشته باشد پس از اندکی جهاد و تلاش، ناامید شده، دست از تلاش خود برمی‌دارد و جهاد او استمرار نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری

۱. برای فهم مفهوم و مشخصه‌های مدیریت جهادی، نه صرفاً می‌توان به معنای لغوی اکتفا کرد و نه فهم اولیه عرفی کافی است.
۲. «جهاد» در قرآن، یک مفهوم ارزشی پرکاربرد است که بر اساس کاربردهای گوناگون آن، می‌توان برای آن ویژگی‌ها و مشخصاتی را برشمرد.
۳. با توجه به این ویژگی‌ها و با لحاظ مفهوم «مدیریت»، می‌توان ویژگی‌هایی را برای مدیریت جهادی استنباط کرد.
۴. ویژگی‌های مدیریت جهادی قابل تقسیم به دو دسته ویژگی‌های مربوط به مدیر، و ویژگی‌های مربوط به اقدامات مدیریتی است.
۵. برای تحقق مدیریت جهادی لازم است حتی‌المقدور، هم مدیر واجد ویژگی‌های مدیر جهادی باشد، و هم اقدامات مدیریتی وی، اقداماتی هماهنگ با اقدامات مدیریت جهادی باشد.

منابع

- شرفالرضی، محمدبن حسین، ۱۴۱۴ق، *نهج البلاغه*، قم، هجرت.
- ابن‌اشعث، محمدبن محمد، بی‌تا، *الجغفریات (الاثعنتیات)*، تهران، مکتبه النینوی الحدیثه.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
- تقی، ابراهیم‌بن محمد، ۱۴۱۰ق، *الغارات*، قم، دارالکتب الاسلامی.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹، *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- حکیمی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۸۰، *الحیاه*، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف، ۱۳۳۳ق، *منتهی المطالب فی تحقیق المذهب*.
- رایبیز، استیفن، ۱۳۸۷، *تئوری سازمان ساختار و طرح سازمانی*، ترجمه سیدمهدی الوانی و دانایی‌فرد حسن، تهران، صفار.
- طباطبائی، سیدمحمد حسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کوفی اهوازی، حسین بن محمد، ۱۴۰۲ق، *الزهد*، قم، المطبعه العلمیه.
- گریزری، پال، ۱۳۸۹، *نقدی بر دانش مدیریت (پژوهشی مدیریتی و دانش مدیریت)*، ترجمه محمد صائبی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نجفی، محمدحسن بن باقر، ۱۳۶۰، *جواهر الکلام فی شرح سرائح الاسلام*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- هلالی، سلیم‌بن قیس، ۱۴۰۵ق، *کتاب سلیم بن قیس هلالی*، قم، الهادی.